



سلام

دنیا چقدر قشنگه قشنگ و رنگارنگه

سلام به دوستان خوب و قشنگم. سلام به رفقای مهربون فرفره. سلام به همسن و سالهای خلاق من: نیوشا خانم و داداش کوچولوم: کوشا خان! اولین روز هفته تون به خیر و شادی. امیدوارم همه تون، توی خونه و مهد کودک و مدرسه و در کنار خانواده و دوست و همکلاسی، هفته بسیار شاد و رنگارنگی پیش رو داشته باشید. بچه ها! هوا داره آروم آروم گرم میشه و حتما شما هم مثل من و کوشا برای از راه رسیدن فصل تابستون و تعطیلی و آب بازی و کلاس های تابستونه و البته گاهی بازی با گوشی و تبلت مامان و بابا لحظه شماری می کنید. می بینید دنیا چقدر قشنگه؟ اول بهار خنک و سبز، بعدش تابستون گرم و رنگارنگ. خدا یا به خاطر همه این قشنگی ها شکرت.



شعر

خروس خواننده

در حیاط خود داریم، یک خروس کوچولو
توی کوچه پیچیده، قوقولی قوقوی او
صاف می کند هر صبح، او کمی صدایش را
می کند بلند بعدش، قوقولی قوقویش را
با تلاش خود حتماً، می شود در آینده
جوجه خروس ما، یک خروس خواننده

شاعر: عفت زینلی



قصه

هدیه تولد مامان!

یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود،
یک برادر و خواهر بودند به اسم های
کاوه و مهرخ! کاوه ده سال داشت
و خواهرش مهرخ، هفت ساله بود.

اونا در کنار پدر و مادرشون که مثل همه مامان و باباها
زحمتکش و مهربون بودند، زندگی می کردند. تا اینکه یک
روز صبح، وقتی کاوه و مهرخ از خواب بیدار شدند و چشم
هاشون رو باز کردند، صدای پدرشون رو از توی نشیمن
خونه شنیدند که داشت تلفنی با کسی حرف می زد و برای تولد
مامان برنامه ریزی می کرد. اونجا بود که بچه ها فهمیدند فردا تولد
مامانشون است و تصمیم گرفتند با یه کادو خوشحالش کنند. وقتی بابا
رفت سر کار و مامان رفت خرید، کاوه به مهرخ گفت: «حالا چیکار کنیم؟
ما که پول نداریم. برای مامان چی بگیریم؟» مهرخ به کاوه گفت: «نمیشه
که هیچ کاری نکنیم. مامان عاشق نقاشی ها و کار دستی های من و توه. بیا
ذوق زده ش کنیم!» بعد هر دو چشم هاشون برقی زد و هر کدوم دویدند
به سمتی. کاوه از توی حیاط، چند دونه سنگ، چند صدف کوچولو، چند تا
برگ سبز پیدا کرد و مهرخ از توی وسایل، یه مقوا، چسب، قلم مو و رنگ
آورد. بعد هر دو نشستند و یه کار دستی قشنگ به شکل ساحل دریا که
می دونستند مامانشون چقدر
عاشقشه، درست کردند. مامان
که از خرید برگشت، کار کاوه
و مهرخ هم آماده بود. هر دو
با لبخند به مامان تولدش رو
تبریک گفتند و کار دستی رو
تقدیمش کردند. مامان حسایی
خوشحال شد. البته بچه ها
یادشون نرفت که وسایلشون
رو هم جمع و جور کنند.



زبان

دوستان خوبم! زبان رسمی ما ایرانی ها
فارسیه. ولی خیلی خوبه علاوه بر فارسی،
یک زبان دیگه مثلاً انگلیسی رو هم بلد
باشیم. این ستون، به شما کمک می کنه هر
هفته چند کلمه انگلیسی یاد بگیرید.

اتل متل یه جوجه

یک دانه Chicken، در خانه مان بود
او آشنا با، درس زبان بود
می گفت خیلی، با من Friend است
او دوستم داشت، قد دوتا دست
یک هفته ی پیش، شد دوست با Cat
خیلی به گربه، کردم حسادت
یک روز با او، رفت و نیامد
من غصه خوردم، خیلی شدم Sad

شاعر: ناصر کشاورز

Chicken: جوجه
Friend: دوست
Cat: گربه
Sad: ناراحت



کار دستی

تل سرگل گلی

وسایل لازم: یک عدد تل ساده. چند رشته پارچه نمدی در رنگ های مختلف. چسب مایع. مهره و مروارید
رشته های نمد رو مثل شکل، می پیچیم و تیش رو چسب می زنیم تا شبیه گل بشه.
گل های نمدی رو روی تل مو می چسبونیم.
اگه دوست داشتیم، روی گل ها رو با مهره و مروارید تزیین می کنیم.
تل موی شما حاضره.



اجرا: ویکتوریا اعظم - عکس: وحید بیات

شعر

سایه بازی

آمد اتاق من، گرگی بد و سیاه
خرگوش و اسب و فیل، موشی سیاه و چاق
بازی سایه ها، امشب چه خوش گذشت!
شاعر: عفت زینلی

شب بود و وقت خواب، شب بود و نور ماه
او رفت و بعد از آن، آمد به این اتاق
یک کم پنیر خورد، او رفت و برنگشت



داستانی ها

یک حیوان تمیز



بچه ها! موافقید امروز با تمیزترین حیوان روی
زمین آشنا بشیم؟ معرفی می کنم: جناب راکون!
خونه راکون ها توی جنگله، اونا خیلی حیوان های
بااستعدادی هستند؛ هم خیلی خوب شنا می کنند
و هم خیلی خوب از درخت ها بالا میرن. راستی
راکون ها خیلی هم خوش اشتها هستند؛ اونا هم
میوه های آبدار و بلوط و دونه گیاهان رو می خورند،
هم خرچنگ و قورباغه و ماهی. راکون ها مثل ما آدمها
اگه غذاشون کثیف باشه، اون رو با آب می شویند؛
خونه شون رو مرتب نگه می دارند و مدام، دست
و صورتشون رو تمیز می کنند. من که عاشق این
حیوان بامزه ترو تمیز شدم، شما چی؟